تخته سفید شماره ۹۱

تاک

بازی؛ وسیله‌ای برای کنترل خشم در دوران کودکی

لیلا کاظم‌لو
مشاور و مدیر دبستان

● خشونت در دوران کودکی عارضه‌ای است که اکثر والدین همواره با آن سروکار دارند. خشونت در این دوران با خشونت‌های دوران بزرگسالی متفاوت است و منظور از آن آسیب‌هایی است که کودکان، همسالان خود را آزار می‌دهند؛ برای مثال در کلاس دیگران را مورد تمسخر قرار می‌دهند یا اسباب بازی و وسایل همسالان خود را خراب می‌کنند. والدین و مربیان در مواجهه با این کودکان برخوردهای متفاوتی دارند؛ برخی از والدین یا مربیان کودک، قدرت‌طلب‌اند و تمایل دارند که به شدت همه‌چیز را به کنترل خود درآورند. آنها بسیار نکته‌بین هستند و قانون‌های بسیاری را پیش پای کودکان می‌نهند و با کلماتی مثل «ندو»، «نپر»، «بنشین»، «پاشو»، «برو»، «بیا»، «تمیز باش»، «تف نکن»، «مؤدب باش» و صدها دستور دیگر کودکان را مورد خطاب و عتاب قرار می‌دهند و رعایت این اصول برای کودکان اجباری است که نتیجه سرپیچی از آن، پیامدی جز تنبیه‌شان نخواهد بود.

وقتی مقررات و قانون‌های سخت و دست‌وپاگیر این‌چنینی را برای کودکان وضع می‌کنیم، طبیعی است که کودکان نتوانند به آن پاسخ درست و صحیح دهند یا به رعایت آن همت کنند؛ درنتیجه باعث می‌شود که خشم خود را به محیط‌های دیگر منتقل کنند. گروهی دیگر از والدین و مربیان کودکان در برخورد با خشونت، بسیار بی‌ثبات و سهل‌گیر هستند که در نتیجه این رفتار بی‌ثبات خود تهاجم کودکان را افزایش می‌دهند.

والدین و مربیان سهل‌گیر، بر گفته‌ها و نظرات خود پایبند نیستند و بی‌ثباتی در آنها به چشم می‌خورد. این افراد، روزی قانون می‌گذارند و روز دیگر فقط آه می‌کشند و کار خاصی انجام نمی‌دهند. این رفتارها، کودکان را به سمت معامله‌کردن بر سر قدرت و به‌دست‌آوردن خواسته‌های بی‌موردشان سوق می‌دهد. کودکان در برخورد با اولیا و مربیان بی‌ثبات هر بار سعی می‌کنند بر شدت رفتارهای تهاجمی و خشن خود بیفزایند تا مربی یا پدر و مادر را مجبور کنند کار مورد پسند و علاقه آنها را انجام دهند؛ برای مثال واکنش کودکان در چنین مواردی این‌گونه است: اگر الان آن اسباب‌بازی را به من ندهی جیغ می‌زنم. کودکان با انبوهی از رفتارهایی روبه‌رو هستند که ناپسندبودن یا عادی‌نبودن برخی از آنها را می‌توان با بازی به کنترل درآورد.

توصیه‌هایی برای کنترل رفتارهای تهاجمی و خشم کودکان: ۱- هر نوع فعالیتی که پاها در آن نقش بیشتری داشته باشد، اما این فعالیت‌ها نباید دستوری و کنترلی باشد؛ مانند پریدن روی تشک، پریدن از روی چند جعبه، تاب‌بازی، سرسره‌بازی یا بازی‌های تعادلی. ۲- فعالیت‌هایی که به حرکت‌های شدید دست نیاز دارند؛ مانند پرتاب‌کردن کیسه‌های شنی یا حبوبات. گِل‌بازی و نقاشی با انگشتان. ۳- بازی با آرد، خمیر مجسمه‌سازی و سفال. ۴- بازی با صدا مانند فریادکشیدن، آوازخواندن، کوبیدن روی سطل یا کاسه. کودکان از صدای تولیدشده احساس لذت می‌کنند.

محیط‌های آموزشی دوزبانه در استرالیا

حنیف‌رضا جابری‌پور

دهه‌هاست که در ۹ استان کشورمان بسیاری از کودکان هنگامی که به سن مدرسه می‌رسند و به کلاس درس می‌روند، به‌درستی حرف معلم خود را که به زبان فارسی سلیس صحبت می‌کند، نمی‌فهمند. کودکانی که زبان مادری‌شان فارسی نیست، باوجود توانایی و استعداد دچار افت تحصیلی می‌شوند و زبان که قرار است واسطه ارتباط باشد، به مانعی برای ارتباطات و رشد کودکان و عامل ضعف شخصیت ایشان تبدیل می‌شود. البته پدیده دوگانگی میان زبان‌های محلی- مادری و زبان رسمی کشورها موضوعی نیست که به ایران اختصاص داشته باشد. مشابه این شرایط را با ریشه‌ها و دلایلی متفاوت می‌توان در بسیاری از کشورهای دنیا، خصوصا سرزمین‌های نه چندان کهن که عمده جمعیتشان را مهاجران تشکیل می‌دهند، مشاهده کرد. در این نوشته، به بررسی تجربه آموزشی کشور استرالیا در محیط‌های دوزبانه در مقاطع دبستان و پیش از دبستان می‌پردازیم. محتوای ارائه‌شده در این نوشتار حاصل متن‌پژوهی، مشاهده و تجربه شخصی نگارنده و مصاحبه با کسانی است که در این زمینه در استرالیا دستی بر آتش دارند.

ساکنان قدیم و جدید

ورود انگلیسی‌ها به استرالیا هر چند آغازی بود بر شکل‌گیری استرالیای زیبا و مدرن امروز، اما برای بازماندگان بومیان این سرزمین ابدا خاطره خوشی به حساب نمی‌آید. در پی این کشف بود که گروه‌ها و قبیله‌های بسیار زیادی از بومیان از زمین‌های خود رانده شدند و تعداد بی‌شماری از ایشان کشته یا به اسارت گرفته شدند. مسیونرهای انگلیسی که به استرالیا آمده بودند در کنار هر کلیسایی که می‌ساختند، مدرسه‌ای نیز برای آموزش نسل جوان بومیان بنا می‌کردند. تخمین زده می‌شود که حدود صدهزار کودک بومی از خانواده‌هایشان به اجبار جدا و به این مدارس شبانه‌روزی فرستاده شدند تا با زبان و آداب «دنیای متمدن» تعلیم ببینند و رشد کنند. این تدبیر، قدمی مؤثر برای خنثی‌کردن مقاومت نسل‌های بعدی بومیان در پذیرش تازه‌واردها به این سرزمین بود. این روند که حتی تا حدود ۶۰ سال پیش هم ادامه داشته سبب شده است که امروزه در میان بازماندگان سال‌خورده بومیان افرادی دیده شوند که زبان انگلیسی را به راحتی و روانی یک خانواده آنگلوساکسون صحبت می‌کنند. شنیدن خاطره‌های ایشان از سال‌های کودکی خود و جدایی از پدر و مادر برای بسیاری از استرالیایی‌های امروز تلخ است. تحقیقات نشان می‌دهد که از ۲۵۰ گویش بومی، امروزه کمتر از ۱۵۰ گویش مانده است که از این تعداد تنها ۴۰ گویش در شرایط ثبات و دوام قرار دارند و ۱۳ مورد آنها در حال نابودی‌اند. درحال‌حاضر زبان انگلیسی برای هر کسی که در استرالیا زندگی می‌کند حکم اصلی‌ترین ابزار ارتباط با دیگران را دارد و دانستن و تسلط بر خواندن و نوشتن آن برای بقای افراد در اجتماع استرالیا از بدیهیات خانواده‌ها محسوب می‌شود. در ۱۰ سال گذشته، دولت استرالیا با عذرخواهی رسمی از بازماندگان بومیان این سرزمین، به نوعی برای جبران مافات تلاش کرده است. گروه‌های بومی استرالیا به رسمیت شناخته شده‌اند و برنامه‌های متعدد تحقیقاتی برای حفاظت از میراث ایشان که شاید گویش در این میان یکی از مهم‌ترین‌ها باشد، طراحی و اجرا شده است. در همه مقاطع تحصیلی، آشنایی با میراث فرهنگ بومیان جزئی از برنامه درسی است و دست‌کم در کلام از این میراث با احترام یاد می‌شود، نام و مشخصات بومی سرزمین‌ها، قبیله‌ها و زبان‌ها بیان می‌شوند. مضاف بر اینها در ایالت‌های شمالی و غربی استرالیا که بومیان حضور پررنگ‌تری دارند، حضور زبان بومی در مدارس و مراکز آموزش پیش از دبستان دغدغه‌ای بزرگ‌تر است و اهمیتی دوچندان دارد.

آموزش دوزبانه در مدارس استرالیا

در تمامی مدارس استرالیا، در دبستان و دبیرستان، آموزش زبان دوم (پس از زبان انگلیسی) جزئی از برنامه درسی است. البته نسبت مدرسه و زبان دوم در این مدارس به دوگونه مختلف تنظیم شده است: آموزش زبان دوم و نیز زبان دوم به عنوان واسطه آموزش. در اکثر مدارس استرالیا دانش‌آموزان در هفته ساعتی مشخص را با عنوان آموزش زبانی خاص (مانند فرانسوی، چینی یا اندونزیایی) «به عنوان زبان دوم» در برنامه دارند. انتخاب این زبان بر عهده مدیران و برنامه‌ریزان مدرسه است و با منطقی روشن انجام می‌شود. زبان چینی به دلیل سرعت گسترش حضور و نفوذ چینی‌ها در بازارهای سرمایه دنیا و تعداد زیادشان، زبان اندونزیایی به علت همسایگی با استرالیا و کثرت رفت‌وآمد و کسب‌وکار و زبان‌های اروپایی مانند فرانسوی، ایتالیایی و اسپانیایی به علت تعداد زیاد مهاجران در مناطقی خاص معمولا مورد انتخاب مدارس قرار می‌گیرند. قسم دیگری از مدارس نیز وجود دارند که اساسا آموزش رشته‌های مختلف در آنها به صورت دوزبانه انجام می‌شود. به عنوان مثال در مدرسه‌ای واقع در حاشیه شمالی شهر ملبورن، نیمی از کلاس‌ها به زبان انگلیسی و نیمی دیگر به زبان فرانسه تدریس می‌شوند و درس ادبیات در کلاس‌هایی مجزا به هر دو زبان ارائه می‌شود. اداره این مدارس (که تعدادشان زیاد نیست) پیچیده‌تر و مستلزم به‌کارگماردن مربیانی تخصصی است که مسلط به هر دو زبان باشند. جدای از زبان‌های غیراسترالیایی، در سراسر استرالیا، ۲۶۰ مدرسه وجود دارد که تحت پوشش «برنامه [ملی] زبان‌های بومی» قرار دارند. در این مدارس مجموعا ۱۶هزار دانش‌آموز بومی و ۱۳هزار دانش‌آموز غیربومی تحصیل می‌کنند. همان‌طور که از نام این مدارس برمی‌آید، آموزش در این مدارس به واسطه دو زبان انگلیسی و گویش بومی منطقه‌ای که آن مدرسه در آن قرار دارد انجام می‌شود. ۲۸درصد این مدارس در مناطقی قرار دارند که کودکان عمدتا به زبان بومی خودشان حرف می‌زنند و تنها در محیط مدرسه یا مهدکودک با زبان انگلیسی آشنا می‌شوند. در این مدارس «برنامه نگاهداشت زبان اصلی» اجرا می‌شود که در آن رشد و توسعه زبان بومی و ایجاد مهارت‌هایی از قبیل ترجمه گفتاری و نوشتاری در دستور کار قرار دارد. ۱۲درصد مدارس در مناطقی هستند که دانش‌آموزان با زبان بومی آن منطقه آشنا نیستند، بنابراین در این مدارس زبان بومی «به عنوان زبان دوم» در ساعاتی خاص از برنامه هفتگی تدریس می‌شود. اما حدود ۱۳۰ مدرسه از این مجموعه (۵۰ درصد) در مناطقی هستند که زبان بومی به شدت در خطر نابودی است. از این‌رو برنامه این مدارس بر سه شکل عمده متمرکز است:

- «باززنده‌سازی» (در مواردی که گویش از سوی گروهی کوچک از افرادی مسن تکلم می‌شود).
- «تجدید» (در مواردی که زبان دیگر به طور روزمره تکلم نمی‌شود، اما افراد محدودی هستند که آن گویش خاص را می‌شناسند).
- «بازسازی» (در مواردی که هیچ فرد زنده‌ای وجود ندارد که با زبان آشنایی داشته باشد، اما اسناد و مدارک تاریخی به میزان کافی برای شکل‌دادن مجدد زبان موجود است).

برنامه‌های دوزبانه در مدارس استرالیا چند دهه قدمت دارند، بنابراین اکنون به پختگی خوبی رسیده‌اند و به صورت کاملا مستند و بر پایه شواهد علمی پیش می‌روند. برنامه‌های مدارس دوزبانه بومیان نیز اگرچه قدمت کمتری دارند، با توجه به تجربه مدارس دوزبانه شهرهای بزرگ و با عزم جزم دولت استرالیا به سرعت رشد کرده‌اند و به بلوغ رسیده‌اند. اما این موضوع در مورد مراکز پیش از دبستان به هیچ عنوان به گستردگی و شمول مدارس نیست و به جز مواردی بسیار خاص، عمدتا شامل مناطقی می‌شود که جمعیت بومیان در آنها بالاست.

مراکز پیش از دبستان دوزبانه در استرالیا

در سند «چارچوب مرجع یادگیری سال‌های اوان کودکی» که مبنای کار تمامی مهدها و مراکز آموزشی پیش از دبستان استرالیاست، تصریح شده است که «استفاده از زبان مادری نقشی کلیدی در شکل‌گیری هویت کودکان و رشد قوای ادراکی آنان دارد. این حق کودکان است که فعالانه از زبان مادری خود استفاده کنند و در کنار آن تمامی مهارت‌های لازم برای استفاده شایسته و بایسته از انگلیسی استاندارد استرالیایی را به دست آورند». نکته‌ای دیگر که به تواتر در پژوهش‌ها به آن اشاره شده، درهم‌تنیدگی مقوله‌های زبان و فرهنگ است. اغلب از زبان و فرهنگ به عنوان دو جزء لازم و ملزوم نام برده می‌شود که توجه به هر کدام می‌تواند موجب تقویت دیگری شود و پرداختن به یکی لاجرم باعث به‌میان‌آمدن سخن از دیگری خواهد شد. از این‌رو هنگامی که برنامه‌ای منسجم برای نگاهداشت زبان مادری کودکان وجود نداشته باشد، خصوصا در خانواده‌هایی که والدین به قدر کافی بر زبان رسمی کشور (انگلیسی در استرالیا) تسلط نداشته باشند، به مرور اختلالاتی در رابطه والد-کودک پدید خواهد آمد؛ به عبارتی تضعیف مهارت‌های زبان‌آموزی کودکان در زبان مادری خود منجر به پدیدآمدن فاصله میان ارزش‌ها و سنت‌های والدین و کودک خواهد شد و این فاصله به مرور خود را به صورت بحران هویت در کودکان (خصوصا در سنین نوجوانی و جوانی) نشان خواهد داد. این در حالی است که تحقیقات و تجربه‌های متعدد در استرالیا و دیگر کشورهایی با شرایط مشابه نشان داده است که حمایت از دوزبانه‌بودن کودکانی با این شرایط (قرارگرفتن در معرض زبان مادری و زبان رسمی کشور) در سال‌های اوان کودکی، باعث خواهد شد ایشان به راحتی بر هر دو زبان تسلط پیدا کنند، ارتباطات خانوادگی خود را حفظ کنند، برای خود هویتی پایدار ببینند و نسبت به هر دو فرهنگ مادری و فرهنگ غالب میزبان حس تعلق و احترام داشته باشند. با این پشتوانه، مهدکودک‌های دوزبانه استرالیایی تمهیداتی را برای حمایت از تسلط کودکان بر هر دو زبان اندیشیده‌اند: (برخی از این تمهیدات در عموم مهدها و مراکز آموزش پیش از دبستان، در برخورد با کودکان و خانواده‌های دوزبانه به چشم می‌خورد).

- برای هر گروه کودکان (نوزاد، نوپا و خردسال) یکی از مربی‌ها تمام‌وقت به انگلیسی و دیگری به زبان محلی- مادری صحبت می‌کند.
- از طریق جلسات مشاوره و دوره‌های آموزشی اهمیت حفظ زبان مادری در کودکان را برای اولیا شرح می‌دهیم.
- به اولیا در تعریف اهداف مشخص و روشن برای زبان‌آموزی کودکان در خانه کمک می‌کنیم.
- در مرکزمان با به‌کارگرفتن عناصر و علائم فرهنگی و نوشته‌هایی به هر دو زبان، «محیط یادگیری دوزبانه» ایجاد می‌کنیم.
- مربیان تعدادی کلمه و جمله به زبان مادری کودکان یاد می‌گیرند و از آنها در امور روتین و ضروری روزانه برای ارتباط مؤثرتر با کودکان بهره می‌برند.
- درخصوص تقویت زبان مادری در خانه منابع، وسایل و پیشنهادهایی در اختیار والدین قرار می‌دهیم.
- والدهایی را که توانایی محدودی در زبان انگلیسی (زبان رسمی) دارند، به تقویت زبان خود تشویق می‌کنیم.
- دوره‌های آموزش حین خدمت برای مربیان در مورد تنوع فرهنگی و چگونگی ایجاد ظرفیت کلامی- زبانی پیش‌بینی می‌کنیم.

مسئولیت مداخله‌نکردن!

در فوریه سال ۲۰۰۸، کوین روود، نخست‌وزیر وقت استرالیا، در اقدامی تحسین‌برانگیز و در مراسمی ویژه رسما از بومیان استرالیا به خاطر «نسل‌های به‌سرقت‌رفته» عذرخواهی کرد. واکنش اولیه بیشتر مردم، به‌ویژه بومیان استرالیا اشک بود و حسی دوگانه از تجدید دردهای گذشته و خوشحالی از اینکه سرانجام کسی مسئولیت سال‌ها دست‌اندازی به میراث ایشان را پذیرفته است. اما امروز، با گذشت چند سال از آن عذرخواهی، بازماندگان بومیان دریافته‌اند که صرف عذرخواهی میراث آنها را بازنخواهد گرداند. اگرچه بسیاری از ایشان از تدابیر دولت برای آموزش، ترویج و حمایت از زبان‌های بومی رضایت دارند و اساسا رویکرد موجود را نسبت به گذشته بسیار مثبت و مسئولانه می‌بینند، اما گروه‌های فعال اجتماعی بومیان این تلاش‌ها را کافی نمی‌دانند. آنها خواستار شرایطی هستند که بتوانند با گویش و آداب‌ورسوم خود زندگی کنند و صرفا به دلیل اینکه به زبان رسمی صحبت نمی‌کنند از پاره‌ای از امکانات و فرصت‌های کاری محروم نشوند. آنها معتقدند که بومیان استرالیا در طول هزاران سال زندگی در این سرزمین، روش‌های زندگی با ثبات و تعادل را آموخته بودند، زبان را نسل‌به‌نسل منتقل می‌کردند و روش‌های خود را برای این انتقال و آموزش داشته‌اند؛ روش‌هایی که مراکز آموزشی امروز از آنها بی‌اطلاع و بی‌بهره‌اند.

یادداشت

انتقادپذیری رکن اصلی رشد و تعالی در آموزش‌وپرورش

مهرنوش محمدی
کارشناسی ارشد روان‌شناسی

● روی سخن نویسنده با افراد تعلیم‌دهنده است که می‌تواند هر مربی‌ای اعم از پدر، مادر، آموزگار، دبیر و حتی مدرس دانشگاه باشد؛ یعنی شامل حال همه افراد می‌شود، چون هر کسی در هر مقطعی ممکن است در یکی از جایگاه‌های نامبرده قرار گیرد، بنابراین بهتر است بگوییم همه افراد باید انتقادپذیر باشند.

در آموزش‌وپرورش انتقادپذیری فرد تعلیم‌دهنده باعث رشد، پیشرفت و بهبود عملکرد مربی در تدریس می‌شود و همین نیز باعث پیشرفت دانش‌آموزان، رشد و تعالی افراد جامعه و بالارفتن سطح فرهنگ و دانش آنها می‌شود. هر فردی که مورد انتقاد قرار می‌گیرد، با به‌کارگیری هوشمندانه و به دور از تعصب و احساس می‌تواند به اصلاح دانش، نگرش و مهارت‌های خود اقدام کند و با توجه به سطح فهم و دانش مخاطب انتقاد را بیان کند تا برای مخاطب قابل درک باشد.

این امر بسته به این است که از کودکی، پدر و مادر با بردباری و صبوری خود به تعلیم و تربیت بپردازند و از انتقاد طرف مقابل (پدر در مقابل مادر و برعکس) نهراسند و پذیرای آن باشند و شخص انتقادکننده نیز باید بدون سود برداشت شخصی، حسن نیت مقابل را جلب کرده و از این راه هم خود به نتیجه مطلوب می‌رسند و کودکانی که در چنین فضایی رشد می‌کنند، سالم تربیت شده و می‌پذیرند که انتقادپذیر باشند. اگر انتقاد استاندارد و بجا نباشد، نه تنها باعث بهبود عملکرد در افراد نخواهد شد بلکه باعث سرخوردگی و ایجاد خشم می‌شود و نتیجه‌ای منفی را در پی خواهد داشت.

فرد منتقد نیز باید با ادبیات نقدکردن آشنایی داشته باشد که انتقاد او باعث ایجاد سوءتفاهم و نتیجه نامطلوب نشود؛ رک‌بودن همیشه برای مخاطب خوشایند نیست این نوع انتقاد باعث سازندگی نمی‌شود بلکه شنونده حالت تدافعی می‌گیرد، بهتر است انتقاد با به‌کارگیری یک سیاست درست انجام شود.

از انتقاد تحکم‌آمیز دوری کنیم، زیرا این‌گونه انتقادها فرد را در حالت دفاع قرار می‌دهد. انتقاد باید حضوری و بدون واسطه باشد و برای حفظ آبروی فرد از نصیحت و سرزنش او در حضور دیگران خودداری کرد. انتقاد باید در زمان و مکان و موقعیت مناسب به عنوان ابزار استفاده شود، نه در لحظه‌ای که فرد آمادگی شنیدن آن را ندارد. موضوع را طولانی و انتقاد را به سخنرانی تبدیل نکنیم زیرا شنونده را خسته و بی‌حوصله می‌کند. انتقاد باید کلیدی، مختصر و مفید انجام شود.

اگر همه مربیان و تعلیم‌دهندگان از دانش‌آموزان خود انتقاد کرده و تمامی موارد یادشده را به‌کار گیرند؛ قدر مسلم است که دانش‌آموز با هنر صحیح انتقادکردن آشنا شده و همین امر باعث می‌شود فرد ابتدا درصدد رفع ایرادات خود برآید و همان‌طور که گفته شد، در این صورت شاهد پیشرفت دانش، تعالی نگرش و بالارفتن سطح فرهنگ کل جامعه خواهیم بود.

جدول ۳۳۳۴ ■ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- سقف دهان- حق‌نشناس- بازرگان ۲- بسیار کوچک- رمان خواندنی و مشهور هریت بیچراستو ۳- از مذاهب مسلمانان- لاشخور- بدهی ۴- رعایت‌کردن احترام دیگران- سگ بیمار- نوعی آچار سرکج ۵- میوه پاییزی- سهل‌انگارانه- از قالب‌های شعر فارسی ۶- مجموعه‌ای از سلول‌ها- حماقت- کله ۷- شیر بیشه- غیرایرانی- پرورش‌دهنده ۸- واحد اندازه‌گیری نیرو- کلمه شرط- پیشرو قافله زائران ۹- بوی خوش- نوعی هواپیمای مسافربری- چانه ۱۰- حرف دهن‌کجی- شهری در مازندران- از تقسیمات قرآن ۱۱- به حد مطلوب نرسیده- به تنهایی- چوب خوشبو ۱۲- پیمان- نهیب- نوعی عدسی محدب ۱۳- شبانگاه- زیبا و دلفریب- پارازیت ۱۴- حیله زیرکانه و همراه با ظرافت- ژانری سینمایی ۱۵- تابناک- تخلص محمدحسین بهجت تبریزی- چشم دوربین عکاسی.

عمودی:

۱- پاپوش- اندام تنفس ماهی- لشکر ۲- آشفته و مضطرب- نقره‌ای- نوعی حلوا ۳- آینه مورد استفاده در دندان‌پزشکی- بیابانگرد- قاتل ۴- پایتخت تبت- از اوراق بهادار- نام اختصاری سازمان‌های مردم‌نهاد ۵- ساز استاد حسن ناهید- از مراحل سلوک- وضع موجود ۶- کم کردن- خنده‌رو- کاهش هوشیاری به واسطه بیماری عصبی ۷- منشی- بیهوده- آسایش ۸- محافظ چشم- نوعی سیستم دفاعی در بازی‌های تیمی- درخت‌فکن ۹- دمل چرکی- بارکش- ناخوشایند و نامطلوب ۱۰- عددی مفرد- از ظروف آزمایشگاهی- گلی زیبا ۱۱- از اجزای ساعت- از ادات پرسش- صدای پاره‌شدن کاغذ ۱۲- میوه ترش هندی- اشاره- زاهد گوشه‌نشین و تارک دنیا ۱۳- چگونگی جریان امور- از فروع دین- از القاب امرای ترک ۱۴- هواپیمای سریع- پایتخت پرتغال- آلوده به ننگ ۱۵- داستان بلند- مسخره‌کردن- لغزنده.

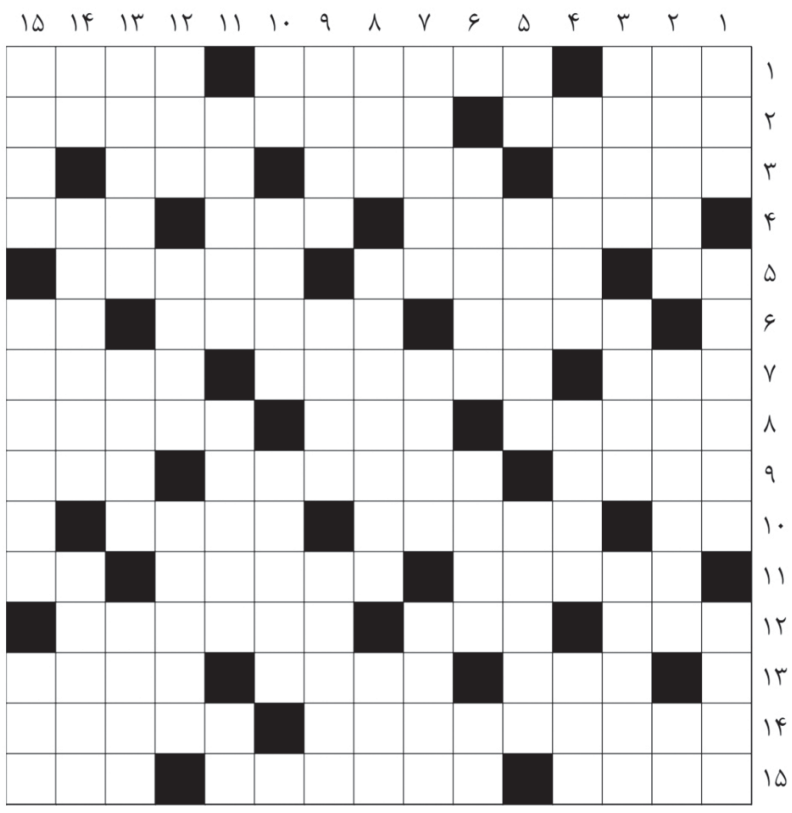

سودوکو سخت ۲۳۳۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

	۵	۸	۳			۷		۹
۳				۷				۸
			۹					
۴	۲				۶			
		۷		۵		۲		
			۴				۶	۷
					۷			
۷				۴				۳
۱		۹			۳	۵	۷	

سودوکو ساده ۲۳۳۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۶		۸	۲					
	۷	۵				۶		
		۹	۷	۶	۳		۴	
	۱		۶	۹			۳	۴
		۴		۳		۷		
۲	۶			۴	۷		۵	
	۳		۵	۲	۶	۴		
		۶				۳	۱	
					۱	۵		۷

حل سودوکو سخت

۴	۸	۷	۲	۱	۳	۹	۵	۶
۵	۲	۳	۴	۶	۹	۸	۷	۱
۹	۱	۶	۵	۸	۷	۲	۳	۴
۲	۷	۱	۳	۴	۶	۵	۸	۹
۶	۹	۸	۱	۵	۲	۳	۴	۷
۳	۴	۵	۹	۷	۸	۱	۶	۲
۸	۳	۲	۶	۹	۴	۷	۱	۵
۷	۵	۴	۸	۲	۱	۶	۹	۳
۱	۶	۹	۷	۳	۵	۴	۲	۸

حل سودوکو ۲۳۲۹

۴	۶	۷	۸	۵	۹	۲	۳	۱
۸	۲	۹	۳	۱	۶	۴	۷	۵
۵	۱	۳	۴	۷	۲	۸	۹	۶
۱	۴	۲	۹	۶	۳	۷	۵	۸
۳	۸	۵	۱	۲	۷	۹	۶	۴
۷	۹	۶	۵	۴	۸	۱	۲	۳
۶	۷	۴	۲	۸	۵	۳	۱	۹
۹	۵	۸	۷	۳	۱	۶	۴	۲
۲	۳	۱	۶	۹	۴	۵	۸	۷
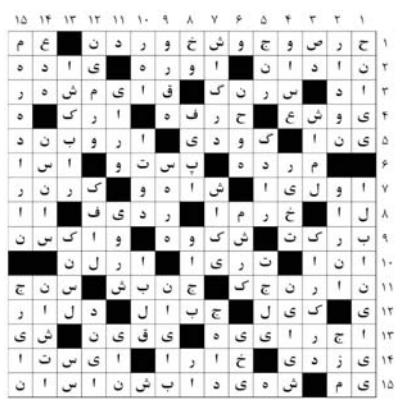
جدول ۳۳۳۳